



سه‌شنبه ۱۷ تیر ۱۴۰۴
طن امروز | شماره ۴۳۵۸

فرهنگ وهنر

به عبارت دیگر ان

امام سجاد^(ع) و مسأله تشکیلات

و سازماندهی

یک نوع دیگر از بیانات امام سجاد«ع» از این ۲ تا آنوع موضوعات پیش گفته] جالب‌تر است. آن نوع بیاناتی است که تقریباً امام سجاد به‌طور صریح، مردم را به داشتن یک «تشکیلات اسلامی ویژه» دعوت می‌کند. البته این دعوت تنها از مردمی است که وابسته به آن بزر گوارند و الا اگر می‌خواستند مردمی را که جزو عامه مردمند به یک چنین تشکیلاتی دعوت کننداین دعوت‌افشامی‌شد و برای حضرت خیلی هم دشواری پیش می‌آمد. از این نوع، باز یک نمونه‌اش خوشیخته‌در تحفالعقول هست که در اینجا نقل می‌کنیم:

امام چنین شروع می‌فرماید: «أَنَّ عَلَامَةَ الزَّاهِدِينَ فِى الدُّنْيَا الزَّائِبِينَ فِى الْآخِرَةِ تَرْكُهُمْ كُلَّ خَلِيطٍ وَ خَلِيلٍ وَ رَفْضَهُمْ كُلِّ صَاحِبٍ لَا يُرِيدُ مَا يُرِيدُونَ» [بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۲۸]. نشانه زاهدان در دنیا – که از دنیا چشم پوشیده و به آن بی‌ربغیتاند – این است که هر دوست و یاری را که با آنان هم‌عقیده و همفکر و همدل و هم‌خواست نیست، ترک می‌کنند این آشکارا دعوت به یک «تشکیلات شیعی» است. اینها در این بیان می‌آموزند که باید به دیگری که خواسته آنان را دنبال نمی‌کنند، انگیزه آنها را ندارند و دنبال حکومت علوی و حکومت حق نیستند، باید با آنها غریبه و بیگانه باشند. البته رفت‌وآمد و معاشرت دارند اما این معاشرت مثل معاشرت ملت ایران است در دوران قبل از انقلاب با آن مثلاً بقال سر گذر که می‌دانستند سواکی است یا فلان! آجودانی که معلوم بود مواظب کار مردم است.

امام می‌فرماید: رفت‌وآمد و برخورد شما با کسانی که اراده شما و فکر و راه شما را نمی‌پیمایند و ندارند و هدف نمی‌گیرند، باید رفتاری غریبه‌وار و بیگانه‌وار باشد و آنها را باید ترک کرد.

سیدعلی حسینی خامنه‌ای/ انسان ۲۵۰ساله
(چاپ شانزدهم، تهران: مؤسسه جهادی مرکز صهبا، آبان ۱۳۹۱)

صفحه ۲۱۰

رعشه‌های مرگ
پیش از رسیدن اجل

گفته‌اند آنگاه که حر بن یزید ریاحی، از لشکریان عمر سعد کناره می‌گرفت تا به سپاه حق الحاق یابد، «مهاجر بن اوس» به او گفت: «چه می‌کنی؟ مگر می‌خواهی حمله کنی؟» و حر پاسخ می‌تگفت اما لرزشی سخت سراپایش را گرفت. مهاجر حیرت‌زده پرسید: «والله در هیچ جنگی تو را اینچنین ندیده بودم و اگر از من می‌پرسیدند که شجاع‌ترین اهل کوفه کیست، تو را نام می‌بردم اما اکنون این رعشه‌ای که در تو می‌بینم از چیست؟»

راوی: تن چهره‌ای است که جان را ظاهر می‌کند، اما میان این ظاهر و آن باطن چه نسبتی است؟ آنان که روح را مرکبی می‌گیرند در خدمت اهواى تن، چه می‌دانند که چرا اهل باطن از قفس تن می‌نالند؟ تن چهره جان است، اما از آن قیافوس بی‌کرانه نمی‌بیش ندارد و اگر داشت که آن دلباختگان صنم ظاهر، حسین را می‌شناختند.

محضران را دیدم‌ای که هنگام مرگ چه رعشه‌ای بر جان‌شان می‌افتد؟ این رعشه، رعشه مرگ است؛ مرگی پیش از آنکه اجل سر رسد و سایه پردهشت بال‌های ملک‌الموت بر بستر دلت حر ببفتد... موتوا قبل أن تموتوا. اینجا دیگر این حر است که جان خویش را می‌ستانند، نه ملک‌الموت، پیش چشم سُر‌ادفات مصفاى عشق است، گسترده به پهنای آسمان‌ها و زمین، نوری عظیم نور تا غایت‌الغایات معراج نبی و در قفا، گور تنگی تنگ‌تر از پوست تن، آسان که گویی یکایک ذرات تن را در گوری تنگ‌تر از خود بفشارند.

حر بن یزید، لرزان گفت: «والله که من نفس خویش را در میان بهشت و دوزخ مخیر می‌بینم و نهزار اگر دست از بهشت بدارم، هر چند پاره‌پاره شوم و هر پارام را به آتش بسوزانند!...» و مرکب خویش را ه‌ی کرد و به سوی خیمه‌سرای حسین بن علی بال کشید.

سیدمر تقی آوینی/فتح خون
کانون فرهنگی هنری ایثارگران
صفحات ۸۹ و ۹۰

از آثار محبت

و معلوم است که از آثار محبت، پیدایش اخلاق محبوب در وجود محب است و هر چه درجه شوق و محبت بالا رود، این تخلق به اخلاق خدایی زیادتیر می‌شود، تا آنکه صفحه نفس آنها از هر آلودگی و قشر خودیت و آنایت پاک می‌شود، به طوری که در ذات خود نیت بد هم نمی‌توانند بکنند و خاطره بد هم برای آنها پدید نمی‌آید چون اصل نفس، پاک و تصفیه شده است.

سیدمحمدحسین حسینی‌طهرانی/معادشناسی
انتشارات نورملکوت قرآن
جلد ۲، صفحه ۵۲

آنالیز فرهنگی تجربه

شناخت این نکته مهم است که انسان‌ها صرفاً از تجربه نمی‌آموزند.آنها آنچه را تجربه می‌کنند از پشت عینک فرهنگ تفسیر می‌کنند.فرهنگ، پویکرد یک گروه به واقعیت‌ها و اعضای گروه به این دلیل آن را باور دارند که آن را سودمند می‌پایند.

جوتل شارون /۱۰ پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی
نشری
صفحه ۱۴۰

حضرت امام صادق(ع):

عدالت را بین فرزندان‌تان مراعات کنید، همان‌طور که دوست دارید آنها در نیکی و اظهار مهریانی بین شما به عدالت رفتار کنند.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی
مدیر عامل: رضا کترونیك
پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌چم برتر بر نا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۲۳۰۰۰

بررسی تجلی مصادیق قیام عاشورا در فیلم‌های سینمایی ایران

سکانس‌های ایران عاشورایی

اما معصومیتی که در بیان اعتقادات ملاقلی‌پور با قالب سینما وجود دارد، در این فیلم هم موج می‌زند. در این فیلم ۲ رزمنده هستند که سن یکی از آنها بالااست و ببینایی‌اش را از دست داده و دیگری نوجوان است و پاهایش مجروح شده است. رزمندهای که چشم‌هایش از کار افتاده دیگری را که پایش مجروح شده کول می‌گیرد و آن که چشم‌هایش هنوز می‌بیند، راه را نشان می‌دهد. یک فلاش‌یک به زمان تظاهرات انقلاب اسلامی هم در این فیلم وجود دارد که مثل صحنه‌های اکشن عملیات نظامی، دچار ضعف‌های تکنیکی است. جالب اینجاست همان ملاقلی‌پوری که بعدها به قله سینمای ایران در اکشن‌های جنگی تبدیل شد، در ابتدا چندان به دلیل این چیزها مورد توجه قرار نگرفته بود و بیشتر به دلیل فضای عاطفی کارش مورد توجه قرار گرفت؛ چیزی که در کنار اکشن‌های خونین او تا انتها در کارهایش باقی ماند. اسم این فیلم به آن جهت «تینوا» شده که قهرمان‌هایش آرزوی زیارت قبر امام‌حسین(ع) را دارند. در سکانس‌های پایانی فیلم ابوالفضل به لب سنگر می‌رود و با غلامحسین هماهنگ می‌کند که او چطور و در چه جهتی خمپاره بیندازد. غلامحسین هم بار که خمپاره‌ای آنداخت، فریاد می‌زند «یا مهدی» و ابوالفضل پاسخ می‌دهد «در کنی». پاسخ ابوالفضل به معنای زنده و سلامت بودن او هم هست. این رفت‌وبرگشت‌ها شبیه چهره‌هایی است که امام‌حسین(ع) و حضرت عباس(ع) هنگام رفتن به کنار شط فرات برای آگاهی از احوال هم می‌خواندند. پس از مدتی نبرد، دست چپ ابوالفضل گلوله می‌خورد اما همچنان پاسخ غلامحسین را می‌دهد. او با دست راست می‌جنگد و در انتها دست راست او هم گلوله می‌خورد. واضح است که این بخش از فیلم، چقدر به ماجرای نهر علقمه شباهت دارد، خصوصاً اینکه اسم این رزمنده ابوالفضل است.

■ **«پرواز در شب»؛ رسول ملاقلی‌پور / ۱۳۶۵**

«پرواز در شب» لحظه خلق سینمای دفاع مقدس بود. هرچند فیلم «تینوا» هم به لحاظ محتوایی همین درونمایه را داشت اما هر یک در شب بود که توانست هم به لحاظ فرم و هم محتوا کار الگوی کامل و مناسب در سینمای داستانی پدید بیاورد. لشکر سیال‌شهدا تهران ۲ گردان خط‌شکن داشت: کمیل، مقداد و عمار. مرحوم رسول ملاقلی‌پور «پرواز در شب» را دربارهٔ بچه‌های گردان کمیل ساخت و ۱۲ سال پس از آن در «هیوا» دوباره آن داستانی دیگر سراغ همین گردان و کتال کمیل رفت. داستان «پرواز در شب» از این قرار است که گردان کمیل در محاصره قرار می‌گیرد و ارتباطش با قرارگاه مرکزی قطع می‌شود. ۴ نفر از رزمنده‌های گردان انتخاب می‌شوند تا در ۳ گروه دوفره، برای درخواست کمک خودشان را به قرارگاه برسانند. ۳ نفر از آنها شهید می‌شوند و یکی خود را به قرارگاه می‌رساند. از طرف دیگر ارتش بعث با بمب شیمیایی به کاتال کمیل حمله کرده است. اکثر رزمنده‌ها زخمی و تشنه هستند. آخر سر آقا‌مهدی نریمان، فرمانده گردان، برای تهیه آب مخفیانه به سنگر دشمن می‌رود. ماجرای آب آوردن او کاملاً در شباهت با ماجرای سقایى حضرت ابوالفضل(ع) شبیه‌سازی‌شده‌ویکی از تأثیر‌گذارترین سکانس‌های تاریخ سینمای ایران است. این فیلم در سالی که اکران شد، رتبه دوم جدول فروش را به دست آورد. تا پیش از آن گیشه‌ها تسخیر اکشن‌های ضربرب بود اما پرواز در شب مسیر سینمای جنگ را در ایران تغییر داد و این تأثیر تا مدت‌ها باقی ماند. این فیلم نقطه تولد سینمای دفاع مقدس بود. وقتی مهدی نریمان، فرمانده گردان کمیل به داخل سنگر بعثی‌ها می‌رود تا آب بیاورد، از زخمی و تشنه‌اش آب بیاورد، ابتدا دست سر را ب کت می‌زند، کمی خودش بنوشد. او در آب تصویر یاران زخمی و تشنه‌اش را می‌بیند و از آن نمی‌نوشد. این به وضوح یادآور صحنه‌ای از قیام عاشوراست که حضرت عباس(ع) برای آوردن آب کنار نهر علقمه رفته بود. بعد او با عراقی‌ها درگیر می‌شود و وقتی قلمقه‌هایش تیر می‌خورند، باز به تیر دیگری می‌افتیم که به مشک حضرت عباس(ع) خورد. سال ۱۳۶۵ وقتی این فیلم اکران شده بود، موقع نمایش این صحنه‌ها مردم در سالن‌ها سینما با صدای بلند گریه می‌کردند.

■ **«مهاجر»؛ ابراهیم حاتمی‌کیا / ۱۳۶۷**

ابراهیم حاتمی‌کیا که سال ۶۴ نخستین فیلم سینمایش را با نام هویت ساخت، پس از آن دیدبان را جلوی دوربین برد که بسیار تحسین شد و در آخرین سال‌های فعالیتش در دهه

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۱۳۷۹۲۱
تلفن: ۶۶۱۳۷۹۲۱
نمابر: ۶۶۱۴۱۲۷
پيام‌سان: vatanemrooz.ir
پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌چم برتر بر نا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۲۳۰۰۰

۶۰ اثری ساخت به نام «مهاجر» که

در روزگار خود تصویری بسیار غریب و نامأنوس از جنگ نشان می‌داد اما حالا تقریباً همه با آن چیزی که در آن فیلم نمایش داده شد، یعنی پهباد، کاملاً آشنا هستند. حاتمی‌کیا تا قبل از فیلم «مهاجر»، با اینکه ۲ فیلم قبلی‌اش هم به موضوع دفاع مقدس ربط داشتند و یکی‌شان کاملاً در جبهه‌ها می‌گذشت، هنوز صحنه شهادت یک رزمنده ایرانی را به تصویر نگشیده بود. «مهاجر» قصه اسد و محمود را روایت می‌کرد که قرار بود با هوایم‌ای شناسایی کوچکی به نام مهاجر، هدفی مهم را در دل دشمن نابود کنند؛ کاری که با استدلال‌های عقلانی غیرممکن بود اما دل به انجام آن حکم می‌داد. این هوایم‌های بدون سرنشین برای شناسایی به داخل خاک عراق فرستاده می‌شدند اما به دلیل نرد کمی که داشتند، کنترل‌کننده‌های‌شان باید در مرز عراق مستقر می‌شدند. اسد و محمود رودروری هم در خطوط دشمن مستقر می‌شوند. اسد که به خطوط دشمن نفوذ کرده، در حالی که با دشمن درگیر می‌شود، با مهارت عملیات شناسایی را انجام می‌دهد و پهباد را در هوا تحویل محمود می‌دهد اما خودش در آخرین لحظات شهید می‌شود. اسد در این آخرین لحظات عمر به یاد خاطراتش می‌افتد. از میان خروارها خاطره تلخ و شیرین مراسم عزیزه در ذهن او نقش بسته است. فیلم برمی‌گردد و ما اسد خردسال را می‌بینیم که از پشت خیمه‌های آتش گز گرفته صحنه کربلا را نظاره می‌کند. تصویر شعله‌های پریه‌های خیمه‌ها ترکیب می‌شود با نئبازی که اسد را در آغوش گرفته است. حالا نیناز دارد می‌سوزد و جسم او را هم می‌سوزاند. روح اسد اما همگام با پهباد و رقص پلاک‌ها در پرواز است. این سکانس از نخستین سکانس‌های شهادت در سینمای حاتمی‌کیا است؛ سکانسی که شهادت اسد را با حمله به خیمه‌های امام حسین در روز عاشورا همانندسازی کرده است.

■ **«خروج»؛ ابراهیم حاتمی‌کیا / ۱۳۹۸**

بستمین فیلم ابراهیم حاتمی‌کیا داستان گروهی از کشاورزان روستایی است که در شربک تسهلی آب، هنگام تخلیه سد آب شور به اشتباه آن را روانه زمین‌های کشاورزی آنها می‌کند و باعث خرابی تمام محصولات‌شان می‌شود. آنها پس از آنکه از طریق مسئولان سد، دهیار، بخشدار و امام جمعه موفق به حل مشکل‌شان نمی‌شوند، تصمیم می‌گیرند نزد رئیس‌جمهور بروند و مشکل‌شان را با او در میان بگذارند. این گروه با تراکتور از روستای خود به سمت تهران عزیمت می‌کنند و طولی نمی‌کشد که خبر سفرشان در تمام رسانه‌ها پخش و این موضوع باعث ایجاد محبوبیت و مشکلاتی برای آنها می‌شود. مضمون این فیلم غیر از طرح مطالبات معیشتی و اجتماعی مردم که جنبه سیاسی پیدا می‌کند و به سوال در این زمینه که «حدود معقول و متعارف اعتراضی تا کجاست؟» دامن می‌زند، به جهت اقتباس آزاد و امروزی‌اش از ماجرای عاشورا، توانست پس از سال‌ها درونمایه اصلی و فرااموش‌شده سینمای دفاع مقدس را یادآوری کند؛ یعنی همانندسازی اتفاقات امروزی با ماجراهای کربلای سال ۶۱ هجری.

همانندسازی اتفاقات این فیلم با وقایع عاشورا از چند جهت رخ می‌نماید. اول اینکه اصل بحث بر سر آب است و هر جا پای آب به میان بیاید، ماجرا را به‌طور به‌طور تمثیلی به عاشورا پیوند داد.البته از تباطات دیگر این قصه با عاشورا وثیق‌تر هستند. کسانی که در این فیلم علیه رئیس‌جمهور می‌شورند و علم اعتراض بلند می‌کنند، همه مرد جنگ بوده‌اند و از خانواده شهدا هستند. بحث عبارتی از آیه‌های اولی‌القلاید، همان‌طور که امام حسین نواده پیامبر اسلام بود و علیه ظلم کسی که خود را خلیفه پیامبر خولده بود علم قیام بلند کرد. در اواخر مسیر هم از جانب یکی از بلندپایگان دولتی به این افراد گفته می‌شود علیه نظام خروج کرده‌اند. نطقا این فیلم با عبارتی که درباره امام حسین به کار رفت و حکم قتل او را بر همین اساس صادر کردند. حتی نام فیلم هم از همین عبارت اخذ شده است. به‌علاوه در طول مسیر بین این افرادی که به سمت کاح ریاست‌جمهوری می‌روند، عملاً دوگانه کوفی و کربلایی شکل می‌گیرد. یکی دیگر از موارد تشابه همانندسازی اتفاقات این فیلم با وقایع عاشورا را رقم زد، تمرکز این افراد بر ابلاغ پیام‌شان است. یعنی آنها بیشتر از اینکه به نتیجه کارشان بپردازند، در اینکه صدای حق‌طلبی‌شان به گوش همه برسد تمرکز کرده‌اند.

کسی در دولت متوجه نشد؟

نیز حقیقتاً ارزش پرداختن و پاسخ دادن ندارد. ایجاد اختلاف میان ترامپ و نتانیاهو زمانی رخ می‌دهد که رئیس‌جمهور ایران مقتدرانه هزینه‌های همدستی با نتانیاهو و دخالت دولت آمریکا در جنگ را به او یادآوری کرد و نسبت به تداوم این دخالت هشدارهای محکم بدهد. اگر قرار بر ایجاد فاصله میان ترامپ و نتانیاهو باشد، باید محکم هشدار داد و تهدید کرد. باید هم هنرمنانه از مواهب مذاکره و توافق گفت و هم محکم و مقتدرانه، هزینه‌های همدستی با نتانیاهو در اقدام نطقا علیه ایران را یادآوری کرد. حقیقتاً چه کسی این

ایران در نظم جدید جهانی

می‌تواند به تضعیف هژمونی غرب در نهادهای بین‌المللی مانند شورای امنیت سازمان ملل منجر شود، بویژه با توجه به حضور چین و روسیه به عنوان اعضای دائم شور. برای ایران، این تغییر به معنای ایجاد فرصت‌های جدید برای پیشبرد منافع ملی‌اش در یک محیط بین‌المللی عادلانه‌تر است. علاوه بر این، بیانیه بریکس تأثیرات منطقه‌ای قابل توجهی برای ایران دارد. در غرب آسیا – جایی که تنش‌ها بین ایران و محور مقاومت از یک سو و تل آویو و متحدان غربی‌اش از سوی دیگر شدت گرفته – این بیانیه می‌تواند به تقویت جایگاه ایران منجر شود. حمایت‌های بریکس، بویژه کشورهای مانند امارات که روابط پیچیده‌ای با اسرائیل دارند، می‌تواند به تغییر معادلات منطقه‌ای در نفع ایران کمک کند. این بیانیه همچنین می‌تواند به کشورهای منطقه توجه به محکومیت اقدامات نظامی اسرائیل توسط بریکس برای ایران، به معنای افزایش با نفوذ منطقه‌ای و تقویت محور مقاومت است که در برابر فشارهای رژیم صهیونیستی و آمریکا از اهمیت استراتژیک برخوردار است. از منظر افکار عمومی جهان، بیانیه بریکس می‌تواند به تغییر روایت‌های منفی علیه ایران کمک کند. سال‌هاست رسانه‌های غرب تلاش



روابط عمومی: ۶۶۱۳۷۹۲۱
تلفن: ۶۶۱۳۷۹۲۱
نمابر: ۶۶۱۴۱۲۷
پيام‌سان: vatanemrooz.ir
پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌چم برتر بر نا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۲۳۰۰۰

■ **«موقعیت**

مهدی»؛ هادی

حجازی‌فر / ۱۴۰۰

« موقعیت

مهدی» فیلمی

بود که سه پز

سال‌ها توانست

تب سینمای

دفاع مقدس

را زنده کند.

از جایی به

بعد ویروسی

به جان

سینمای ایران

افتاد که درک

آدم‌های دیروز

با همان فضای

واقعی خودشان

را ناممکن می‌کرد

فیلم اول هادی

حجازی‌فر توانست از این

بالاتر برون بجهد. این فیلم

بیوگرافیک ۴۰ اپیزودی، فاقد درام

کلاسیک نام که البته با توجه به

رسالت تعریف شده برای آن، بعضی معرفی

قسمت‌هایی از زندگی مهدی باکری که در مسیر او به سمت

شهادت قرار دارند، مسأله‌ای طبیعی است. این فیلم بسیار

محبوب شد چون ذهنیت شهروندان طبقه متوسط دهه‌های

۹۰ و ۱۳۰۰ را بر تن شخصیت‌های حدود ۶۰۰ قالب کرده

بود و توانست ناگهان دهه ۶۰ را با همان خصوصیات بکر و

ناش، همان‌طور که به واقع بود، جلوی چشم مخاطبانش

پدیدار کند. این فیلم هم مثل سایر آثار شاخص سینمای

دفاع مقدس، به درونمایه عاشورا توجه ویژه‌ای کرده بود و

خصوصاً موضوع آب را در کانون خرده‌روایت‌هایش قرار

می‌داد. حتی نام نسخه سریالی فیلم «عاشورا» است و ترانه

مثنی آن و ترانه‌ای که در تیتراژ پایانی خوانده می‌شود، نوحه

حضرت ابوالفضل است. به طور مثال جایی که مهدی باکری

توانست پیکر برادرش را به مقب برگرداند، یادآور ماجرای

امام حسین در روز عاشورا بود که نتوانست پیکر حضرت

عباس را به خیمه‌ها برگرداند. رابطه حمید و مهدی باکری

به نوعی اینجا تداعی‌گر رابطه امام حسین(ع) و حضرت

ابوالفضل(ع) است. تشنه لب در کنار آب جان دادن، به‌شدت

تداعی‌گر ماجرای حضرت عباس(ع) است. حمید لحظاتی

قبل از شهادتش، از کسی که مهمات آورده، می‌پرسد: آب

داری؟ او می‌گوید قمقمه‌اش در راه افتاده است. این همان

حمیدی است که پس از شهادت، پیکرش در آب فرو می‌رود.

پیکر حمید را هم مهدی به عقب نمی‌آورد؛ چنانکه امام

حسین(ع) نتوانست پیکر حضرت عباس(ع) را به سمت

خیمه‌ها و کنار باقی شهدا بیاورد. مزار حضرت عباس(ع)

هم دور از بقیه است و فاصله آن تا حرم سیدالشهدا(ع)

خیابانی است به نام بین‌الرحمن. فیلم هادی حجازی‌فر هم

از قرنه در جزیره مجنون تا روستای حریبه، از مشهد حمید

تا مشهد مهدی باکری، در ذهن ما یک بین‌الرحمن رسم

می‌کند و این یعنی دفاع مقدس.

مشورت اشتباه را به پزشکبان داده است که با تمنا و مجامله می‌تواند رئیس‌جمهور جانی‌تاکر آمریکا را به دور شدن از نتانیاهو ترغیب کند؟ نکته آخر اینکه مصاحبه کارلسون با آقای رئیس‌جمهور به صورت زنده انجام شد. به عبارتی اشرافیان و نزدیکان پزشکبان و مقامات دفتر او می‌توانستند ایرادات این مصاحبه را اصلاح کنند. با این حال اما ظاهراً در آن جمع، کسی متوجه ایرادات اساسی مواضع آقای رئیس‌جمهور نشده است. ظاهراً همه بر ایده و راهبرد تمنا و مجامله اتفاق نظر داشتند.

می‌کنند ایران را به عنوان یک تهدید جهانی معرفی کنند اما حمایت بریکس از تهران، بویژه با تأکید بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای‌ش می‌تواند این روایت را به چالش بکشد. این موضوع برای ایران که به دنبال جلب حمایت کشورهای جنوب جهانی و خنثی کردن تبلیغات منفی غرب است، یک دستاورد بزرگ است. بیانیه بریکس همچنین می‌تواند به تقویت حس همبستگی در میان کشورهای در حال توسعه منجر شود که بسیاری از آنها با فشارهای مشابهی از سوی غرب مواجهند. برای ایران، این همبستگی به معنای ایجاد یک جبهه متحد در برابر سیاست‌های تهاجمی آمریکا و اسرائیل است. در نهایت، این بیانیه نشان‌دهنده آن است که ایران بخشی از یک ائتلاف جهانی است که توانایی تغییر معادلات بین‌المللی را دارد. برای نظم بین‌الملل، این بیانیه نشانه‌ای از پایان دوران سلطه بی‌چون و چرای غرب و ظهور یک نظم چندقطبی است که در آن ایران می‌تواند نقش فعال‌تری ایفا کند. این تحول نتنها برای ایران، بلکه برای تمام کشورهایی که به دنبال جهانی عادلانه‌تر هستند، یک اتفاق بزرگ و تعیین‌کننده است. بیانیه بریکس، با حمایت قاطع از ایران، نشان داد نظم بین‌الملل در حال تغییر است و ایران یکی از برندگان اصلی این تغییر خواهد بود.